

میرزا رضا کرمانی تسهیل گر گسست تاریخی

به مناسبت ۱۲ اردیبهشت سالروز ترور ناصرالدین شاه قاجار



امیرحسین عباسی

کارشناس ارشد علوم سیاسی

۱۲ اردیبهشت سالروز ترور ناصرالدین شاه قاجار به دست میرزارضای کرمانی است. تروری که تاکنون پیرامون شبهات آن و علل وقوع آن و آمران و مظنونان و شرکای وقنوع آن نظرات متعدد و گاه متناقضی ارائه گردیده است. عده‌ای آن را بنا به مطالبی بی حد و حصر نایب السلطنه کامران میرزا فرزند سوم ناصرالدین شاه و وکیل الدوله آقا بالاخان به میرزا رضا دانسته‌اند که داستان اختلاف و کینه میرزارضا از آنجا آغاز شد که میرزا که پس از مرگ پدرش در تهران سکنی گزید و در بازار به شاگردی و از طرف حاج ملاحسن ناظم التجار شال و ترمه و عبا و... می گرفت و در خانه‌های اعیان و شاهزادگان به فروش می‌رساند، یکی از آن شاهزادگان، نایب السلطنه کامران میرزا حاکم تهران و وزیر جنگ بود که دو طاقه شال کشمیری از میرزا خریده بود که کلنل کاساکوفسکی فرمانده بریگاد قزاق در خاطراتش می گوید که او از پرداخت وجه آن خودداری می کرد که میرزا پس از دو سال انتظار، روزی در حضور وزرا و شاهزادگان طبلش را به نایب السلطنه تذکر می دهد و او هم دستور داد که پولش را با بهره‌اش به او بدهند و بهره‌اش این بود که در ازای هر یک قران، یک پس گردنی به او بزنند! البته ماجرای درگیری میرزا رضا و کامران میرزا به واسطه و نیرنگ آقابالاخان و همراهی میرزا آقا درویش ملاقاتی مستقیم بین آن دو صورت گرفت که میرزا در آنجا از نایب السلطنه خواست که سید جمال را به کشور بازگرداند و موجبات روی آوری مردم به خود را فراهم آورد، سپس خود به جای پدر به سلطنت بنشیند، که پس از در خواست توأم با سوگند کامران میرزا جهت اطمینان خاطر برای نگارش پیشنهادات و به تله انداختن میرزا، او که هر چه گفته بودند از جمله ظلم و تعدیاتی که به مردم می‌شود و... را نوشته بود، سپس جویای همراهان و همدستانش شدند که خودداری او و سپس شکنجه او جهت اقرار و معرفی همدستان، منجر به اقدام به خودکشی میرزا رضا و جراحت شدید او گردید که البته این قضایا منجر به صدور فرمان دستگیری میرزا و عده‌ای دیگر از مظنونان به اسم جمهوری خواه و... گردید که البته پس از آزادی همه زندانیان پس از چند ماه، زندانی شدن میرزا تا ۴ سال و ۴ ماه به درازا کشید تا جایی که همسرش غیابی از او طلاق گرفت. عده‌ای نیز این ترور را بنا به تحریک و تشجیع سیدجمال الدین اسدآبادی، مراد و مرشد میرزارضای کرمانی دانسته‌اند و به مقارنت محل وقوع آن در حرم شاه عبدالعظیم حسنی استناد می‌کنند که چند سالی پیش از آن و در همان مکان ماموران حکومتی شاه، سیدجمال را که از فرمان شاه مبنی بر خروج از کشور استنکاف ورزیده بود و در آنجا بست نشسته بود را به وضع خشونت‌آمیزی از حرم بیرون و از کشور اخراج کرده بودند که این اقدام آنان منجر به اعتراض شدید میرزا رضا و سپس دستگیری و زندانی شدن او گردید و البته اظهارات خود میرزا مبنی بر عقوبت شاه در همان مکان را برای تقویت فرضیه خود و اقدام انتقام جویانه میرزا مطرح می‌کنند که البته خود وی نیز در باز جویی هایش ضمن اذعان به اطلاع تسهیل سیدجمال از این اقدام، ولی فقط نظر سیدجمال در خصوص لزوم کشتن نایب السلطنه کامران میرزا که ستم‌های فراوان به وی تحمیل کرده بود را عنوان می‌دارد و حتی سخن سرزنش گر و تحریک‌آمیز سید را نیز نقل می‌کنند: «چه جان سخت بودی و حب حیات داشتی، به این در چه ظالمی که ظلم کند قابل کشتن است»، اما سخنی از دستور یا تشویق سیدجمال جهت ترور شخص شاه به زبان نمی‌آورد. البته میرزا در اعتراضاتش علت عدم ترور نایب السلطنه را اینگونه شرح می‌دهد که: «همچو خیال کردم که اگر او را بکشیم، ناصرالدین شاه با آن قدرت هزاران نفر را خواهد کشت»، اما در مجموع آنچه باعث شد تا این ظن تحریک سیدجمال در اذهان اشاعه یابد این بود که نقل شده بود میرزا حین شلیک گلوله گفته بود«به انتقام سیدجمال»، که البته همسرش نیز در دفاعیاتش گفته بود: «من نمی‌دانم شما در عقب چه هستید، هر چه به این مرد کرد سید کرد و این عمل را هم او به دوستی سید کرد»، سوءظن به سید جمال تا به حدی بود که دولت ایران خواستار استرداد سید جمال بود و حتی دولت عثمانی را تهدید می‌کردند که تا سید در استانبول است، صلح و صفا و محبت میان دولتین نخواهد بود و این تهدیدات تا جایی پیش رفت که دولت عثمانی به فکر سر به نیست کردن سید نیز افتاد تا هر دو دولت از شر او خلاص بشوند که البته مظفالدین شاه مخالف آن بود. عده‌ای نیز ناخرسندی روزافزون و عوارض جنبش تنباکو را عامل غیرمستقیم ترور ناصرالدین شاه دانسته‌اند. عده‌ای نیز این ترور را حاصل توطئه‌ای از جانب فراماسوئوری نفوذ کرده در داخل ایران دانسته‌اند. عده‌ای از جمله تاج السلطنه دختر

ناصرالدین شاه نیز امین السلطان صدراعظم ناصرالدین شاه را صحنه گردان پشت پرده ماجرا دانسته‌اند، چرا که ناصرالدین شاه قصد برکناری وی و جانشینی اعتمادالسلطنه را داشته و او با دسترسی به صندوقچه اسرار ناصرالدین شاه که کلیدش همیشه به گردنش بوده، از این تصمیم وی باخبر گشته و سعی در قتل شاه داشته و این عده، درز خیر محرمانه حضور شاه در حرم حضرت عبدالعظیم را که محدود افراد نزدیک به شاه از جمله صدراعظم از آن مطلع بودند و همچنین بنا به روایتی اظهارات میرزا در روز اعدام مبنی بر خلف عهد عده‌ای که قرار بود نجاتش دهند و نیز ارسال دو نامه حاج سیاح که از هم بندهای میرزا در زندان بود، یکی به واسطه معین التولیه حرم و دیگری به واسطه مشیرالملک به صدراعظم امین السلطان پس از بازگشت ناگهانی میرزا رضا از استانبول، مبنی بر بیم احتمال اقدام خطرناک او و مسکوت و ناشنیده ماندن آن نامه از سوی صدراعظم و اساساً پنهان نبودن بازگشت میرزا به ایران و اقامت او در حرم شاه عبدالعظیم که قطعاً به اجازه تولیت حرم بوده و ارسال نامه او به نایب السلطنه جهت امان دادن به او و سپس ارسال نامه به پادشاه و امین السلطان که همگی بی جواب ماند و دیدار اتفاقی با آقابالاخان در حرم و نیز ارسال نامه ولیعهد، مظفرالدین میرزا از تبریز به امین السلطان و وعده ابقای او در صدارت و تداوم صدارت امین السلطان در دوران مظفرالدین شاه و نیز مرگ مشکوک اعتمادالسلطنه را از جمله دلایلی بر اثبات این مدعا و فرضیه خود دانسته و حتی عده‌ای هم مظفرالدین میرزا ولیعهد نسبتاً سالخورده ناصرالدین شاه را که قریب به ۴ دهه در انتظار سلطنت نشسته بود را پشت پرده ترور شاه دانسته‌اند که این عده طفره و استنکاف مظفرالدین شاه از صدور دستور اعدام، آن هم با توجیهات بنی اسرائیلی از جمله اینکه: «من اگر بخواهم انتقام بگیرم باید تمامی اهالی کرمان را از دم تیغ بگذرانم!» را دلیل اثبات این مدعا دانسته‌اند. حتی شواهد و قرائن محکمی از دخالت سلطان عثمانی وجود دارد که مهمترین و مستندترین آن، اعتراضات خود میرزا رضا در بازجویی هایش است که سلطان عثمانی که تحت تاثیر سید جمال، سودای احیای خلافت اسلامی را در سر می‌پروراند و درصدد بود که او را امیرالمومنین بلاد اسلامی بنامند و در این راه ناصرالدین شاه را مانع تحقق این هدف می‌دانست، به سید جمال گفته بود: «تو درباره او هر چه می‌توانی بکن و از هیچ چیز اندیشه مدار»، اما با وجود اهمیت تمام این فرضیه‌ها و قوت و ضعف‌های هر کدام، اگر بخواهیم مطابق متن بازجویی‌ها و اعترافات ضد و نقیض و البته محتاطانه و جوانمردانه میرزارضا و همچنین مصائب و مظالم تحمیل شده به وی به بررسی و تحلیل و ریشه‌یابی علل محرکه وی برای این اقدام پی ببریم، قطعاً کفه ترازو به سمت ادعا و فرضیه نخست مبنی بر کینه او از نایب السلطنه و وکیل الدوله آقا بالاخان سنگینی خواهد کرد. اما با وجود مغذورت‌های میرزا و استنکاف او از نام بردن از دیگران و بیم به دام افتادن آنان که به صراحت در بازجویی هایش عنوان می‌کرد و با توجه به روح حاکم بر اعتراضات وی و نیز سایر علایم و نشانه‌ها، عدم دخالت و تحریک سیدجمال و حتی افراد ذینفوذ حاکمیت بسیار بعید به نظر می‌رسد. اما جدای از بررسی علل و احتمالات دست زدن میرزا رضا به آن اقدام، بدون شک آن ترور نقش بی‌بدیلی در وقوع و پیروزی انقلاب مشروطه داشت. مشروطه که سرافراز گسست تاریخی و سیاسی جامعه ایران از سنت به تازگی بود، گر چه که دارای ریشه‌های بسیار قوی اجتماعی و فرهنگی بود، ولی این انقلاب با وجود همراهی بخش شهرنشین جامعه، هیچگاه به یک خیزش عمومی و فراگیر تبدیل نشد و بیشتر ماحصل روشنگری‌های روشنفکران و اقدامات تشکیلاتی فکری، فرهنگی و سیاسی آنان و البته همراهی طبقه الیت و تحول خواه جامعه ایران بود که در نهایت هم با پرداخت کمترین هزینه و تلفات اجتماعی، بیشترین تاثیر و ژرف‌ترین تحولات را در ساختار سیاسی ایران رقم زد. اما آیا این انقلاب در صورت تداوم سلطنت ناصرالدین شاه و سلامت جسمانی او در برابر بیماری و ضعف جسمانی مظفرالدین میرزا که ۱۰ سال بیشتر پس از پدر عمر نکرد و احتمال عمر طولانی تر او با توجه به اینکه ۶۴ سال بیشتر نداشت و انتقال سلطنت به فرزندان دیگرش از جمله ظل السلطان مسعود میرزا که مرد جلا و سرکوبگری بود و یا نایب السلطنه کامران میرزا که او نیز شخصی نظامی و وزیر جنگ بود، آیا باز هم وقوع انقلاب مشروطه لااقل در آن مقطع محتمل بود؟ گر چه که شاید میرزا رضا نسبت به این امر و اتفاقات پس از آن تأملی نکرده بود تا جایی که در بازجویی هایش در پاسخ به سوآلی مبنی بر اینکه، کدام انوشیروان عادل را پشت دروازه تهران سراغ داشتی که ناصرالدین شاه را کشتی؟ پاسخ منفعلانه‌ای داده و گفته بود که این بهترین سخنی است که در این چندروز شنیده‌ام، اما قطعاً دست‌های پشت پرده‌ای که پشت میرزا رضا بودند، از مرام مدارا جویانه و روحیات مرعوبانه ولیعهد بیمار و سست اراده ناصرالدین شاه بی اطلاع نبودند و این ضعف و جبن حاکم بر روحیات مظفرالدین میرزا را مفر و روزنه‌ای مغتنم برای پیروزی و تسهیل تحقق انقلاب مشروطیت و این گسست تاریخی می‌دانستند.

تیتریک
HEADLINE ONE

۲

گزارش
یک

پزشکیان در همایش بزرگ کارگران مطرح کرد:

حمایت از خانواده جان باختگان انفجار بندر

در این زمینه خواهد داشت، افزود: ما متعهدیم سلامت شما را در هر شرایطی تضمین کنیم و اجازه نخواهیم داد مشکلی برای شما پیش آید. پزشکیان در ادامه به نهضت عدالت آموزشی در کشور اشاره کرد و افزود: «در این دولت نهضت ساخت مدارس و تغییر نوع آموزش در مدارس را راه اندازی کرده‌ایم. فرزندان همه ما، آیندگان این کشور هستند اگر نتوانیم فرزندان مان را درست آموزش دهیم، آینده درستی نخواهیم داشت. اجازه نخواهیم داد فرزندان این سرزمین آموزش ناکافی و غیرصحیح و یا با یک استاندارد کم داشته باشند. حتماً تلاش خواهیم کرد که در همه مدارس دولتی و عمومی کشور و نه فقط در مدارس ویژه، کیفیت، کمیت و نوع آموزش را به حول قوه الهی اصلاح کنیم و اصلاح خواهیم کرد.» پزشکیان با اشاره به مشکلات مطرح شده در مورد مسائل بانکی کارگران، گفت: «به شما اطمینان می‌دهیم که پیگیری‌های لازم در این زمینه انجام خواهد شد و تلاش خواهیم کرد تا مشکلاتی که مطرح کرده‌اید، حل و فصل شوند.» رئیس جمهور در خصوص اعتماد آفرینی برای جامعه کارگری کشور، گفت: «در مورد ایجاد اطمینان برای کارگران، این موضوع در دولت مورد بررسی قرار دارد و به دنبال راه حل‌هایی برای آن هستیم. به شما قول می‌دهیم تا حد امکان و با توانایی‌هایی که داریم، پیگیری خواهیم کرد و امیدواریم مشکلات را حل کنیم. امیدواریم با همکاری و تلاش همگانی، ایران را به گونه‌ای بسازیم که چشم بیگانگان به آن ناامید شود. آینده این سرزمین، متعلق به همه ایرانیان است و با همت و تلاش خودمان، می‌توانیم کشوری را بسازیم که شایستگی، لیاقت و جایگاه هر یک از ما ایرانیان در آن به بهترین شکل به نمایش گذاشته شود. امیدوارم تلاش و زحمات شما و تغییری که در جامعه ایجاد می‌شود، بتواند آینده کشور را تضمین کند. قدردان همه شما هستیم و از زحمات‌تان تشکر می‌کنیم. خدایا و یاور همه شما باشد.»

اجازه فراموشی کارگران را نمی‌دهیم

احمدمیدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز ضمن قدر دانی از تلاش‌های جامعه کارگری، از برنامه‌های دولت چهاردهم برای ارتقای امنیت شغلی و بهبود معیشت کارگران خبر داد. وی با اشاره به حوادث اخیر در بندر شهید رجایی و معدن طیس، یاد و خاطره کارگرانی را که در راه کسب روزی حلال جان



سال سرمایه گذاری و جامعه کارگری

تضمین امنیت شغلی کارگران در صورت ایجاد ورود به تشکل‌های کارگری جهت حمایت از حقوق صنفی کارگران از جمله مهمترین این الزامات است که در مقاوله‌نامه‌های بین المللی نیز به آن اشاره شده است. در واقع کارگران باید بتوانند بدون بیم از اخراج و یا هر گونه فشار در محیط کار دور هم جمع شوند، انتخابات برگزار نمایند و نمایندگان خود را برای پیگیری حقوق صنفی خود انتخاب کنند و این تحرک صنفی نباید منجر به تضعیف حقوق آنها و یا اعلام پایان قرارداد کار از سوی کارفرمایان شود. قرارداد موقت کار اگر چه در شرایط خاص و در مواقعی که کار ماهیت موقت و فصلی دارد ضرورت انکارناپذیر است اما امروز تقریباً بخش عمده قراردادها را به خود اختصاص می‌دهد و لذا نیازمند تدابیر جدید و حمایتی در این خصوص است.

توسعه تشکل‌های کارگری و تشکیلات اتحادیه‌های کارگری قدرتمند در صنایع بزرگ و مادر و سایر صنایع بدون هیچ گونه محدودیت و حمایت قوای سه گانه از این اتحادیه‌ها در تدوین قوانین حمایتی و یارسیدگی‌های قضایی و پیگیری‌های اجرایی، اتحادیه‌های سراسری می‌توانند در مذاکرات دسته جمعی نقش مهمی را در استیفای حقوق کارگران ایفا نمایند و عامل مهمی در تعادل بخشی به مذاکرات محسوب می‌شوند؛ چنانچه در مقاوله‌نامه بین المللی ۹۸ نیز مورد تاکید قرار گرفته است. باید موانع موجود بر سر راه توسعه تشکل‌های کارگری با تدوین قانون و یا مقررات برداشته شود و اعمال محدودیت در این خصوص جرم تلقی شود و نوع نگاه به حضور اتحادیه‌های قدرتمند در عرصه کار و تولید نگاهی مبتنی بر تضمین کننده امنیت ملی باشد تا مخل امنیت. تجربه کشورهای صنعتی و توسعه یافته در این خصوص و تصویب مقاوله‌نامه بین المللی ۸۷ در این زمینه می‌تواند ضمن اطمینان بخشی الزام آور نیز باشد.

به رسمیت شناختن تصمیم جمعی کارگران در دست کشیدن از کار، در مواقعی که کارفرمایان تن به مذاکره و انعقاد پیمان دسته جمعی یا تغییر آن نمی‌دهند و حاضر به تغییر شرایط کار مطابق با ضرورت‌ها نیستند. این اختیار توان کارگران را در چانه زنی افزایش داده و می‌تواند زمینه ساز ایجاد تعادل در قراردادها و شرایط کار باشد. گاهی اتخاذ تصمیمات سخت و مهم اگر چه

گروه خبر: پیش از ظهر دیروز همایش بزرگ کارگران ایران در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی با حضور مسعود پزشکیان، رئیس جمهور کشورمان و احمدمیدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد. این همایش در واقع سی ششمین جشنواره ملی امتنان از کارگران نخبه و گروه‌های کار نمونه بود. رئیس جمهور پیش از سخنرانی، با اهدای لوح از ۲۶ برگزیده سسی و ششمین جشنواره ملی امتنان از کارگران نخبه و گروه‌های کار نمونه قدر دانی و تجلیل کرد. طی سال‌های گذشته، چنین همایش بزرگی با حضور گروه‌های مختلف کارگری به دلیل برخی ملاحظات از حواشی احتمالی، برگزار نشده بود. احمدمیدری، وزیر کار و علیرضا محجوب دبیرکل خانه کارگر، دو سخنران دیگر این برنامه بودند. اغلب کارگران شرکت کننده در این مراسم با لباس فرم شرکت یا کار خانه محل فعالیت خود در همایش حاضر شده بودند.

متعهد به حفظ سلامت مردم هستیم

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور کشورمان با تلخ خواندن حادثه انفجار در بندر شهید رجایی شهر بندرعباس، گفت: «در دولت تصویب کردیم که به خانواده بازماندگان این حادثه از هر نظر رسیدگی شود و اجازه نخواهیم داد این عزیزان در طول زندگی خود با مشکلی مواجه باشند.» رئیس جمهور با بیان اینکه با همکاری شرکت بیمه مسئول (البزر)، خانواده‌ها، مطالبات بیمه‌ای خود را پیگیری و دریافت خواهند کرد، افزود: تصمیم دولت این است که همه قربانیان این حادثه شناسایی شوند و علاوه بر پرداخت حقوق و مستمری، به بررسی و برطرف کردن مشکلات خانواده‌هایشان نیز پرداخته شود. همانند حادثه طیس، دولت تا حد امکان پیگیری خواهد کرد و اجازه نخواهد داد خانواده‌های داغدار در طول زندگی با مشکلات روبه‌رو شوند. اطلاعاتی که به دست یابید، قطعاً مورد بررسی و رسیدگی قرار خواهد گرفت. از نمایندگان مجلس و رسانه‌ها نیز تقاضا می‌کنیم که در این زمینه پیگیری کنند. خود را موظف می‌دانیم به خانواده درگذشتگان و آسیب دیدگان از هر نظر رسیدگی کنیم.»

پزشکیان در ادامه سخنان خود بهداشت، درمان و سلامت را حق عموم مردم کشور دانست و افزود: «خود را به سلامت همه مردم به‌ویژه کارگران عزیز کشور موظف می‌دانیم و رسیدگی می‌کنیم.» او با بیان اینکه به زودی جلسات ویژه‌ای با وزیران کار و امور اجتماعی، بهداشت و درمان و رئیس سازمان برنامه و بودجه



افشین حبیب‌زاده

عضو شورای مرکزی خانه کارگر

در هفته کارگر قرار گرفته‌ایم و آنچه اسمال را می‌تواند از سال‌های گذشته متمایز و به‌عنوان نقطه عطف در سیاستگذاری اقتصادی معرفی کند نام گذاری سال ۱۴۰۴ تحت عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید» و اجماع سیاست‌گذاران بر تقویت بخش خصوصی است. تمرکز بر توجه بیشتر به سرمایه‌گذاری‌های مردمی در قالب بخش خصوصی در سال پیش رو نگاهی متفاوت نسبت به گذشته است و می‌توان ادعا نمود الگویی که در سال‌های پس از انقلاب بیشتر معطوف به اقتصاد دولتی بود در حال تغییر است. هر چند در قانون اساسی «بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است» اما تزییون‌های رسمی حکایت از تغییر ریل گذاری به نفع بخش خصوصی در سیاست‌های اقتصادی دارد. هدف از نوشتار پیش رو پرداختن به الزامات این تمرکز در حوزه نیروی کار و تشکل‌های کارگری است. در واقع شاید بتوان اینگونه گفت که در صورت تقویت بخش خصوصی و بزرگ شدن سهم این بخش از کیک اقتصاد چه تدابیری باید اندیشید تا در این گذار و تغییر الگو در سیاست گذاری توازن قدرت میان کارگران و کارفرمایان در تعاملات جدید برقرار گردد؟ و قدرت چانه‌زنی کارگران که از ارکان مهم سه‌جانبه‌گرایی است تنزل پیدا نکند؟ اگر چه در سال‌های گذشته نیز گروه‌های کارگری از پایین بودن توان چانه‌زنی در مواجهه با اقتصاد دولتی گلایه‌هایی داشتند و بیشتر در یادداشتی تحت عنوان «روابط کار، سیاسی یا صنفی» نیز به آن اشاره کردیم، اما دولت داعیه حمایت از کارگران را داشت. ولی در صورت تحقق هدف گذاری جدید در اقتصاد شاهد بخش خصوصی قدرتمندی خواهیم بود که مذاکره متوازن با آن در گرو تشکل‌های کارگری قدرتمند است و این قدرت، خود نیز در گرو الزاماتی است که در ذیل به بخش‌هایی از آن می‌پردازیم.